



دزدی‌های مسلحانه در بلخ؛

دختری به دلیل داشتن تلفن هوشمند کشته شد



هرچند طالبان ادعا می‌کردند که با روی کار آمدن رژیم آن‌ها و وضع قیود سخت‌گیرانه بر خلاف‌کاری‌های کوچک، دزدی‌های مسلحانه در بزرگ‌شهرها کاهش یافته، اما رهنی‌ها به قوت خود باقی مانده است. بزرگ‌شهرهای کشور به‌ویژه کابل، بلخ، هرات، ننگرهار و شماری از ولایت‌های دیگر هم‌روزه گواه سرقت‌های مسلحانه است؛ سرقت‌هایی که در مواردی به قتل نیز می‌انجامد. دزدان مسلح به‌تازگی یک دختر جوان را برای دزدیدن تلفن...

مدرسه‌سازی و مکتب‌ستیزی طالبان؛

استراتژی بلندمدت تروریسم بین‌المللی



معضل اعتیاد؛

هم‌نشینان بد نظام‌الدین را معتاد کردند

بیش از دو هزار راننده موترهای باربری در سمنگان به دلیل بد رفتاری طالبان اعتصاب کاری کرده‌اند

دره‌صوف به کابل را گرفته است، مربوط به طالبان هلمندی است که تجربه کافی و امکانات انتقال زغال‌سنگ را ندارد. به گفته این راننده، طالبان به خاطر پوشاندن ضعفشان، تلاش دارند زبان کار را بر راننده‌گان موترهای باربری تحمیل کنند. به گفته راننده‌گان، شرکت قراردادی از آن‌ها خواسته است تا با پذیرش نصف هزینه کرایه در انتقال شش هزار تن زغال‌سنگ به کابل با این شرکت همکاری کنند. آنان می‌افزایند که طالبان گفته‌اند تا وقتی انتقال شش هزار تن زغال‌سنگ به کابل تکمیل نشود، راننده‌گان اجازه بارگیری زغال‌سنگ دره‌صوف را ندارند. این در حالی است که با فرارسیدن فصل سرما، نرخ زغال‌سنگ در کابل و برخی از ولایت‌های دیگر به‌گونه چشم‌گیری افزایش یافته است.



۸صبح، سمنگان: بیش از دو هزار راننده موترهای باربری از انتقال زغال‌سنگ ولسوالی دره‌صوف ولایت سمنگان به کابل و سایر ولایت‌ها دست کشیده‌اند. منابع می‌گویند که راننده‌گان موترهای باربری روز شنبه، ۱۲ قوس، به دلیل برخورد خشونت‌آمیز طالبان از کار دست کشیده‌اند. به گفته منابع، این راننده‌گان مدعی‌اند که طالبان با اعمال فشار آنان را مجبور به همکاری با شرکت پیمان‌کار این گروه کرده‌اند.

جبر و اختیار در جدال

شیر و تخم‌چیران



نماینده ویژه آمریکا برای افغانستان:

به تخصص و کمک جاپان در افغانستان نیاز داریم



سفر سرپرست وزارت تحصیلات طالبان به هرات؛ امتحانات لغو و دانشگاه تعطیل شد



عالی طالبان برای سفری چندروزه به هرات رفته است.

طالبان با آمدن ندیم امتحانات را به دلیل تهدیدات امنیتی لغو کرده‌اند. دانشجویان دانشگاه هرات همچنان می‌افزایند که شماری از دانشجویان در این دانشگاه از ولایت‌های دوردست کشورند و لغو امتحانات زنده‌گی آن‌ها را در هوای سرد به چالش کشیده است. این دانشجویان اضافه می‌کنند که لغو امتحانات به خاطر آمدن ندیم‌محمد ندیم، ضربهای به آموزش و دانشجویان محسوب می‌شود. گفتنی است که سرپرست وزارت تحصیلات

۸صبح، هرات: منابع در هرات می‌گویند که به دلیل سفر سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان به این ولایت، دانشگاه هرات رخصتی اعلام کرده است. منابع روز شنبه، ۱۲ قوس، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که به دلیل سفر ندیم‌محمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان به هرات، امتحانات دانشجویان لغو و دانشگاه رخصتی اعلام کرده است. در همین حال، دانشجویان در دانشگاه هرات می‌گویند که نزدیک به ۱۰ هزار دانشجو روز شنبه برای امتحان آماده‌گی گرفتند، اما

منابع:

ریاست عدلیه طالبان در قندهار زمین‌های مردم را به زور می‌گیرد



۸صبح، قندهار: منابع محلی در ولایت قندهار می‌گویند که ریاست عدلیه طالبان در این ولایت با راه‌اندازی دعوا، زمین مردم به زور می‌گیرد.

منابع معتبر از این ولایت روز شنبه، ۱۲ قوس، به ۸صبح می‌گویند که این ریاست به بهانه‌های مختلف دعوی زمین باز می‌کند تا از مردم پول بگیرد و زمین اشخاص «غریب» را تصاحب شود. طبق معلومات منابع، ده‌ها تن از باشندگان قندهار که می‌خواهند دعوی زمین‌های خویش را در این ریاست حل‌وفصل کنند، با کارشکنی مسوولان طالبان مواجه شده‌اند. به گفته این منابع، مولوی نورآغا هاشمی، رییس عدلیه طالبان در قندهار و مولوی تاج‌محمد، آمر قضایای دولت، در اخادی و گرفتن زمین‌های مردم دست دارند. این در حالی است که طالبان همواره ادعا دارند که با غاصبان زمین برخورد جدی می‌کنند و فساد را از بین برده‌اند.



عقربه فحشا در ذهنیت طالبانی

در میان دغدغه‌هایی که گروه‌های بنیادگرا به میان می‌کشند و گاهی با استناد به آن به جنگ و کشتار متوسل می‌شوند، زن و مسایل جنسی نقش کانونی دارد و بقیه مسایل فرع آن دانسته می‌شود؛ تا جایی که موضوعات دیگر، حتا انکار خدا نیز بیش‌تر از این بابت باعث نگرانی‌شان است که شاید راه گسترش روابط بی‌ضابطه جنسی را بگشاید. طالبان در این زمینه در صدر همه این گروه‌ها قرار می‌گیرند. در تازه‌ترین مورد از قول سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان نقل شده است که تأسیس مکاتب برای دختران در زمان امان‌الله خان و سپس دوران ظاهرشاه را بخشی از فرهنگ وارداتی غرب خوانده و گفته است که این کار نسخه‌ای از عیاشی بوده است. عیاشی در تصور طالبان همان فحشا و بی‌بندوباری جنسی است.

طالبان در ۲۰ سال جمهوری با تمرکز تبلیغاتی‌شان بر موضوع زن و قضایای جنسی وانمود می‌کردند که فحشا در سراسر افغانستان موج می‌زند و زنان و دختران افغان در معرض تجاوز خارجی‌ها هستند. طبق تحقیقاتی که امنیت ملی آن زمان افغانستان از بازداشت‌شده‌گان طالب انجام داده بود، یکی از انگیزه‌های بسیار قوی برای پیوستن آنان به جنگ در برابر نظام پیشین همین تبلیغات بود که عمدتاً در مدارس هوادار طالبان در پاکستان انجام می‌شد. آنان با افزودن «مرج و مصاله» تبلیغات خود که گویا ناموس مسلمانان بازی‌چه هوس‌های غیرمسلمانان قرار گرفته است، می‌توانستند شماری از جوانان کم‌سن و احساساتی را آماده عملیات انتحاری کنند.

اساساً ناموس خواندن زن، یعنی تقلیل دادن وی به زایدی در کنار مرد که هویتش را نه از خود به حیث انسان مستقل، بلکه از مرد به حیث همسر یا عضو خانواده او می‌گیرد، بخشی از فرهنگ غیرانسانی‌ای است که ریشه در گذشته‌های دورتر دارد. ریشه این ذهنیت به دوران لشکرکشی‌ها می‌رسد، به روزگاری که زنان به تراج می‌رفتند، و این عمل به مثابه روشی جهت تحقیر دشمن استفاده می‌شد. از این راه بود که موضوع زن با شرف و حیثیت مردان گره زده شد. بدون شک جنایات جنگی و اعمال ضدبشری با مظاهر گوناگونش در تاریخ به وفور انجام یافته است، اما این که جنایتی مبنای شکل‌گیری لایه‌هایی از فرهنگ شود و در اثر آن زن جایگاه انسانی خود را از دست بدهد، فاجعه‌ای دیگر است.

در مدرسی که طالبان آموزش دیده‌اند، نه زن حضور داشته و نه به مثابه انسانی هم‌تا و هم‌سطح مرد به رسمیت شناخته شده است، بلکه به عنوان موجودی ناقص‌العقل معرفی شده که به آسانی فریب می‌خورد و می‌تواند آبرو و شرف خانواده را بر باد بدهد. از نظر آنان آزادی زن سبب گسترش فحشا و بی‌بندوباری و خودش بخشی از بافت گناه است که مرد قربانی و سوسه‌ها و اغواگری‌هایش می‌شود. عقربه فحشا در ذهنیت طالبانی همیشه به طرف زن می‌چرخد و موارد بی‌شمار تجاوز به کودکان پسر که در مدارس خودشان انجام می‌شود، نه توجهی را جلب می‌کند و نه حساسیتی را برمی‌انگیزد. چنین نگاه بیمارگونه‌ای به زن در جهان امروز نشانه‌ای از عقب‌مانده‌گی و جهل شمرده می‌شود و بی‌اعتباری‌اش به اثبات رسیده است، اما در میان طالبان، و به ویژه رهبران‌شان، هنوز نگاه مسلط است و به این دلیل آماده نیستند که زنان افغانستان به حقوق خود در زمینه تعلیم، تحصیل و کار دست پیدا کنند.

نماینده ویژه امریکا برای افغانستان: به تخصص و کمک جاپان در افغانستان نیاز داریم



۸صبح، کابل: توماس وست، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان، در دیدار با مقام‌های جاپانی گفته است که ایالات متحده به تخصص و کمک‌های جاپان در افغانستان نیاز دارد. وست روز گذشته، ۱۱ قوس، در تویییتی نوشته است که با مقام‌های بلندپایه جاپان از جمله وزیر خارجه این کشور در توکیو در مورد افغانستان دیدار و گفت‌وگو کرده است. او نوشته است: «زمانی که با متحدان خود کار می‌کنیم، در برابر هر چالشی همیشه قوی‌تر هستیم. در افغانستان درست است - ما همچنان به تخصص و کمک‌های متنوع جاپان نیاز خواهیم داشت.»

موردهای نیازهای بشردوستانه، حقوق بشر و آینده سیاسی افغانستان گفت‌وگو شده است. او همچنان در ادامه گفته است که با تادامیشی یاماما موتو، فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل در افغانستان، در مورد استراتژی اقتصادی گفت‌وگو و مشورت‌های «حکیمانه» دریافت کرده است. نماینده ویژه امریکا از سپری کردن «دو روز مفید» در توکیو «با متحدان نزدیک در رابطه به منافع مشترک در افغانستان» ابراز خوشحالی کرده است. هنوز جزئیات زیادی از این نشست منتشر نشده است. مقام‌های جاپانی نیز تاکنون کمتر در مورد تحولات اخیر در افغانستان و مواضع این کشور اظهار نظر کرده‌اند.

ملا یعقوب عازم امارات متحده عربی شد

۸صبح، کابل: وزارت دفاع طالبان می‌گوید که سرپرست این وزارت در یک سفر رسمی عازم امارات متحده عربی شده است. وزارت دفاع طالبان ناوقت روز شنبه، ۱۲ قوس، با نشر خبرنامه‌ای نوشته است که ملا محمد یعقوب مجاهد، سرپرست این وزارت، در راس یک هیات

امروز رهسپار امارات متحده عربی شده است. این وزارت افزوده است که هدف از این سفر دیدار با رهبران امارات و افغان‌های مقیم این کشور و تحکیم روابط طالبان با کشورهای خلیج است. گفتنی است که او چندی پیش به قطر نیز سفر کرده بود و با مقام‌های این کشور دیدارهایی داشت.

یوناما خواستار آزادی فوری پنج فعال حقوق زن به‌شمول ظریفه یعقوبی شد



«اعضای خانواده اجازه ملاقات با آن‌ها را ندارند و هیچ اطلاعات روشنی در مورد اتهامات یا دلیل بازداشت آن‌ها وجود ندارد.» یوناما پیش از این نیز در مورد وضعیت ظریفه یعقوبی، فعال حقوق زن و چهار تن دیگر که روز گذشته در کابل بازداشت شدند، از گروه طالبان وضاحت خواسته است.

طالبان چندی پیش ظریفه یعقوبی، از فعالان حقوق زن را در جریان یک نشست خبری در دشت برچی کابل بازداشت کردند.

نیروهای طالبان این نشست خبری را که برای اعلام «جنبش زنان افغانستان برای برابری» برگزار شده بود، برهم زدند.

۸صبح، کابل: هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان یا یوناما گفته است که پنج فعال حقوق زن به‌شمول ظریفه یعقوبی باید فوراً آزاد شوند. یوناما روز شنبه، ۱۲ قوس، در تویییتی نگاشته است:

طالبان از آموزگاران زن در مکاتب دولتی و خصوصی غزنی آزمون دینی می‌گیرند



تحقیر نیز قرار داده‌اند. منبع تاکید می‌کند که طالبان تا کنون بیش از ۱۰ آموزگار را از دو مکتب در این شهر غزنی منفق کرده و به چندین تن دیگر هشدار داده‌اند که ممکن است منفق شوند. یک منبع در ریاست معارف طالبان برای ولایت غزنی تأیید کرده است که این روند در تمامی مکاتب این ولایت تطبیق خواهد شد. این در حالی است که پیش از این نیز گروه طالبان زنان و دختران را از کار، آموزش، حضور در پارک‌های تفریحی، سفر، گشت‌وگذار بدون محرم، انتخاب پوشش و تحصیل آکادمیک در رشته‌های خبرنگاری، هنرها و موسیقی منع و محروم کرده‌اند.

۸صبح، غزنی: مسوولان محلی گروه طالبان در ریاست معارف و اداره امر به معروف و نهی از منکر این گروه در غزنی، روند اخذ آزمون دینی از آموزگاران زن را آغاز کرده‌اند. منابع محلی روز شنبه، ۱۲ قوس، از ولایت غزنی خبر می‌دهند که هیأت موظف شده طالبان، تا کنون به چندین مکتب در این ولایت رفته و از آموزگاران زن آزمون دینی گرفته‌اند. منبع افزوده است که طالبان عمداً پرسش‌های دشوار دینی را انتخاب می‌کنند تا کمتر آموزگاری بتواند به پرسش‌های آن‌ها پاسخ ارایه کند. به گفته منبع، طالبان این استادان را مورد توهین و

نماینده پاکستان: باید امنیت سفارت ما را تقویت کنند

۸صبح، کابل: پس از تیراندازی بر سفارت پاکستان در کابل، اکنون محمد صادق خان، نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان، گفته است که امنیت سفارت آنان در کابل باید بیشتر تأمین شود.

عصر روز جمعه، ۱۱ قوس، سفارت پاکستان در کابل و سفیر این کشور که در محوطه سفارت در حال قدم زدن بود، آماج تیراندازی قرار گرفت.

عبیدالرحمان نظامانی، سفیر پاکستان در کابل، در این حمله آسیبی ندید، اما یک محافظ این سفارت به نام اسرار محمد زخمی شد.

صادق خان، نماینده ویژه پاکستان برای افغانستان، در رشته توییتهایی گفته است: «سفیر نظامانی و تیمش در شرایطی فوق‌العاده چالش برانگیز کار می‌کنند. مهمترین اولویت ما امنیت اعضای مأموریت ما است. اول از همه، طالبان باید امنیت سفارت ما و پرسنل آن را تقویت کنند.»

در پی حمله بر سفارت پاکستان در کابل، شهباز شریف، نخست‌وزیر این کشور، آن را محکوم کرد و خواستار محاکمه عاملان این رویداد شد.

در همین حال، وزارت امور خارجه طالبان در خبرنگارهای وعده توجه ویژه به امنیت سفارت پاکستان را داده است.

پس از این حمله گفته شد که پاکستان می‌خواهد دیپلماتان خود را از افغانستان به‌گونه موقت خارج کند؛ اما به‌تازگی وزارت امور خارجه پاکستان گفته است که برنامه‌ای برای انتقال دیپلماتان خود از افغانستان ندارد.

این دومین مکان دیپلماتیک در افغانستان زیر کنترل طالبان است که طی سه ماه گذشته مورد حمله مسلحانه قرار می‌گیرد. پیش از این سفارت روسیه در کابل مورد حمله قرار گرفته بود.



شمار کشته‌های حمله بر مدرسه الجهادیه سمنگان افزایش یافت

۸صبح، سمنگان: منابع محلی از ولایت سمنگان می‌گویند که چهار تن از زخمیان انفجار مدرسه الجهادیه این ولایت طی دو روز گذشته در شفاخانه ولایتی جان باخته‌اند.

منابع روز شنبه، ۱۲ قوس، به روزنامه ۸صبح می‌گویند یکی از زخمی‌ها که به‌تازگی جان باخته، زلگی خان نام داشته است.

به گفته منابع، زلگی خان که ملازم آمریت تربیه معلم بوده، شام امروز در شفاخانه شهید داکتر اکرام‌الدین جان باخته است.

سه تن دیگر از زخمی‌های این انفجار روز گذشته جان باختند؛ اما هویت آن‌ها هنوز به دسترس روزنامه ۸صبح قرار نگرفته است.

انفجار مرگ‌بار در مدرسه الجهادیه سمنگان روز چهارشنبه، ۹ قوس، ده‌ها کشته و زخمی برجا گذاشت.

پیش از این دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد گفته است که در انفجار مرگ‌بار مدرسه الجهادیه ولایت سمنگان دست‌کم ۱۹ تن کشته و ۲۳ تن دیگر زخمی شده‌اند.



استراتژی بلندمدت تروریسم بین‌المللی



طالبان پس از تسلط بر افغانستان علاوه بر تقویت و ایجاد مدرسه‌های دینی، مکتب‌های دولتی را نیز به مدرسه تبدیل کرده‌اند. این گروه در یک اقدام دیگر لیسه «مسلمی زراعت» در ولایت فراه را به مدرسه «مرکز جهادی» تغییر داده‌اند. منابع روز پنج‌شنبه، ۲۴ سنبله، به ۸ صبح گفته بودند که ده‌ها تن از فرزندان طالبانی که در جنگ‌ها کشته شده‌اند، در این مدرسه حضور دارند و آموزش می‌بینند.



امین کخوار

طالبان با تسلط بر افغانستان، تمرکز ویژه‌ای بر مدرسه‌سازی کرده‌اند. این گروه در یک‌ونیم سال گذشته از ارگ تا دورترین نقاط کشور دست به مدرسه‌سازی زده، اما در عین حال هیچ توجهی به مکتب‌ها نکرده

است. از نظر آگاهان امور، مدرسه‌سازی و مکتب‌سازي در ادامه استراتژی بلندمدت تروریسم بین‌المللی برای نفوذ بیشتر در منطقه است و بستری امن را برای ایجاد پایگاه‌های تروریستی فراهم می‌سازد. آگاهان امور افزایش مدرسه‌ها در کشور را تغییر در بافت منطقه عنوان می‌کنند و تأکید می‌ورزند که این اقدام طالبان در درازمدت نه‌تنها افغانستان، بلکه منطقه را نیز با چالش‌های جدی امنیتی جبران‌ناپذیر روبه‌رو خواهد ساخت. وزارت معارف طالبان مدتی پیش از ثبت حدود شش هزار مدرسه دینی رسمی در افغانستان خبر داده است. به گفته مسوولان این وزارت، افزون بر مدرسه‌های ثبت‌شده، ۱۵ هزار و ۷۱۶ مدرسه و دارالحفاظ بدون ثبت نیز در کشور فعالیت دارند. بربنیاد معلومات رسمی این وزارت، علاوه بر این‌ها، بیش از ۲۲۰ دارالعلوم دولتی و خصوصی در افغانستان فعال‌اند. این در حالی است که طالبان پس از تصرف افغانستان شماری از مکتب‌های دولتی را نیز به مدرسه‌های دینی و پایگاه‌های نظامی تبدیل کرده‌اند.

شماری از آگاهان که در افغانستان هستند و به دلیل هراس از طالبان نمی‌خواهند نام‌شان در گزارش ذکر شود، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که مدرسه‌سازی و مکتب‌سازي طالبان بیانگر استراتژی بلندمدت برای رشد «تروریسم بین‌المللی» است. آنان مدرسه‌سازی از سوی طالبان را برای کشور خطرناک توصیف می‌کنند و تأکید می‌ورزند که این کار طالبان می‌تواند بافت منطقه را در درازمدت تغییر دهد. به گفته آنان، اگر روند مدرسه‌سازی و جاگزینی آن‌ها با مکتب‌ها به همین منوال ادامه یابد، وضعیت کشور در آینده بحرانی‌تر از حال خواهد شد. یما (نام مستعار) یکی از آگاهان امور دینی که زیر حاکمیت طالبان زنده‌گی می‌کند و به دلیل هراس از طالبان نمی‌خواهد هویتش افشا شود، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که نصاب آموزشی مدرسه‌ها در کشور اصلاً کنترل نمی‌شود. به گفته او، حتا در زمان جمهوری نیز مدرسه‌ها افراطیت را ترویج می‌دادند. از نظر این آگاه امور دینی، افراد زیادی از شاگردان مدرسه‌ها در زمان جمهوری از سوی نیروهای امنیتی به‌شکل بالفعل در هنگام جاسازی مابین‌های کنار جاده بازداشت شده‌اند. این آگاه امور دینی می‌افزاید: «تربیت شاگردان در بیشتر مدرسه‌ها کاملاً با اهداف استخباراتی و سربرابری برای افراطیت مذهبی صورت می‌گیرد، اما در پوششی انجام می‌شود که در جامعه سنتی افغانستان مردم فکر می‌کنند به دین خدا خدمت می‌شود.»

از سوی دیگر، شماری از کارشناسان امور نیز به این باورند که مدرسه‌سازی و مکتب‌سازي علاوه بر این‌که نمایانگر تفکر طالبانی است، برای اهداف استراتژیک «تروریسم بین‌المللی» استفاده خواهد شد. به گفته این آگاهان، در بیست سال گذشته به رغم مکتب‌سازی، مدرسه‌های

دینی با افکار تندروانه سلفی و دیوبندی ایجاد شد و بخشی عظیم نیروی جنگی طالبان را همین‌ها تشکیل می‌دادند. این نگرانی‌ها در حالی افزایش می‌یابد که طالبان علاوه بر ایجاد مدرسه‌های متعدد در سراسر ولسوالی‌های کشور، در شماری از ولایت‌ها مکتب‌های دولتی را نیز به مدرسه تبدیل کرده‌اند. پیش از این طالبان نوار صوتی منسوب به ملاهبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه را همه‌گانی کرده بودند که بربنیاد آن از ایجاد مدرسه در کشور خبر داده بود.

دستور رهبر طالبان برای ایجاد مدرسه‌های دینی
ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر غایب گروه طالبان، دستور داده است که در تمام ولسوالی‌ها و ولایات مدرسه‌های دینی ایجاد شود. روز پنج‌شنبه، ۵ جوزا، طالبان پیام منسوب به رهبر این گروه را منتشر کردند که در یکی از ماده‌های آن آمده است: «باید در تمامی ولسوالی‌های افغانستان مدرسه دینی ایجاد شود.» براساس دستور رهبر غایب طالبان فرزندان جنگ‌جویان کشته‌شده طالبان به این مراکز جذب و آموزش داده شوند. پیش از این نورالله منیر، سرپرست پیشین وزارت معارف طالبان، گفته بود که در هر ولایت یک باب مدرسه بزرگ و در هر ولسوالی سه تا ۱۰ باب مدرسه دینی دیگر ایجاد می‌شود.

تاسیس مدرسه دینی در ارگ

طالبان در سال روان از ایجاد یک مدرسه دینی در ارگ خبر دادند. این گروه محل آموزشی پی‌پی‌اس، نیروی ویژه محافظت از رییس جمهور پیشین در داخل محوطه ارگ را به مدرسه دینی تغییر داده‌اند. منابع گفتند که طالبان نام این مرکز آموزشی را «مدرسه احسن‌العلوم» گذاشته‌اند.

تبدیل کردن مکتب به مدرسه

طالبان پس از تسلط بر افغانستان علاوه بر تقویت و ایجاد مدرسه‌های دینی، مکتب‌های دولتی را نیز به مدرسه تبدیل کرده‌اند. این گروه در یک اقدام دیگر لیسه «مسلمی زراعت» در ولایت فراه را به مدرسه «مرکز جهادی» تغییر داده‌اند. منابع روز پنج‌شنبه، ۲۴ سنبله، به ۸ صبح گفته بودند که ده‌ها تن از فرزندان طالبانی که در جنگ‌ها کشته شده‌اند، در این مدرسه حضور دارند و آموزش می‌بینند. افزون بر این، طالبان لسیه عبدالحی حبیبی، یکی از معتبرترین مکتب‌های دولتی در ولایت خوست را به مدرسه دینی تبدیل کردند. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در این مکتب شش هزار دانش‌آموز و ۱۳۰ معلم مشغول آموزش و تدریس بودند. این گروه به تداوم این روند، لیسه تخنیک ولایت قندهار و لیسه ببرک خان زردان در شهر گردیز مرکز ولایت پکتیا را نیز به مدرسه تبدیل کرده‌اند.

براساس روزشمار وقایع روزنامه ۸ صبح، طالبان ساختمان موسسه عالی تربیه معلم سمنگان را به مدرسه دینی جهادی تغییر داده‌اند. طالبان روز چهارشنبه، ۱۸ جوزا، یک مدرسه دینی تحت نام جهادی را جای‌گزین تربیه معلم دولتی سمنگان کرده‌اند. پیش از این طالبان در ولایت تخار انستیتوت تخنیک و مسلکی این ولایت را

به مدرسه دینی تبدیل کرده‌اند. محسن هاشمی، معین تامینات وزارت داخله طالبان، روز چهارشنبه، ۱۱ جوزا، این انستیتوت را به مدرسه جهادی تبدیل کرده است. منابع به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که در این انستیتوت ۲۳۶ دانشجوی دختر و پسر در رشته‌های انجنیری برق، ساختمان، ترمیم موتر و کمپیوتر مصروف آموزش بودند که بدون تکمیل درس‌های‌شان بی‌سروشت شده‌اند. همچنان مفتی عبدالرزاق صدیق، رییس عمومی مدارس تعلیمات اسلامی معینیت وزارت معارف طالبان، در ماه میزان امسال در جریان سفرش به ولایت نیمروز از اختصاص یک میلیون و ۳۰۰ هزار افغانی به مدارس دینی در این ولایت خبر داد. تنها در ولایت کاپیسا ۲۰۰ مدرسه خصوصی وجود دارد. این آمار از سوی تلویزیون معارف افغانستان تحت اداره طالبان بیرون داده شده است.

این در حالی است که بازرس ویژه امریکا برای بازرسی افغانستان (سیگار) نیز در گزارشی گفته است که طالبان دسترسی دانش‌آموزان به آموزش را محدود کرده‌اند. سیگار نگاشته است که طالبان مکتب‌های دولتی را به مدرسه‌های مذهبی تبدیل کرده‌اند.

تبدیل کردن ساختمان‌های دولتی به مدرسه‌های دینی

طالبان علاوه بر تبدیل کردن مکتب‌ها به مدرسه، در شماری از ولایت‌ها ساختمان‌هایی که پیش از این برای مقاصد نظامی استفاده می‌شد را نیز به مدرسه تبدیل کرده‌اند. این گروه به افراد زبردست خود دستور داده است که مدرسه‌های دینی که ساختمان اساسی ندارند، می‌توانند ساختمان‌های دیگر دولتی را اشغال و در آن فعالیت کنند. این گروه در یک اقدام دیگر ساختمان فرماندهی جلب و جذب نیروهای امنیتی دولت پیشین در ولایت زابل را نیز به مدرسه جهادی تغییر داده‌اند. منابع در ولایت زابل می‌گویند که ساختمان فرماندهی جلب و جذب در ولایت زابل در حالی به مدرسه جهادی تبدیل شده است که حوزه چهارم امنیتی شهر قلات به یک رستوران شخصی منتقل شده و طالبان با توسل به زور، رستوران شخصی را به دفتر حوزه امنیتی تغییر داده‌اند.

مدرسه‌سازی خارجی‌ها

علاوه بر مدرسه‌سازی طالبان، شماری از کشورهای اسلامی نیز در جریان یک‌ونیم سال گذشته تعهد کرده‌اند که در افغانستان مدرسه‌های دینی خواهند ساخت. وزارت معارف طالبان روز شنبه، ۷ عقرب، با نشر خبرنامه‌ای از امضای تفاهم‌نامه‌ای با یک نهاد ترکی خبر داده است. بربنیاد این تفاهم‌نامه، بنیاد خیریه ترکی «ایدیف» در پنج ولایت افغانستان مدرسه دینی می‌سازد. هزینه هر مدرسه ۲۵ هزار دالر تخمین شده است. وزارت معارف طالبان اما ولایت‌هایی را که قرار است در آن‌ها مدرسه دینی ساخته شود، مشخص نکرده است. پیش از تسلط طالبان بر کشور، سفیر عربستان سعودی در کابل گفته بود کشورش هزینه ساخت ۱۰۰ مدرسه دینی را در افغانستان منظور کرده است. هنوز روشن نیست که چه تعداد از این مدرسه‌ها در کشور ساخته شده است. شماری از کشورهای حوزه خلیج در طول چندین دهه گذشته هزینه ساخت مدرسه‌های زیادی را پرداخته‌اند.

دارالعلوم‌های ثبت‌شده از سوی وزارت معارف

براساس گزارش تلویزیون وزارت معارف طالبان، در حال حاضر ۲۱۸ دارالعلوم دولتی و خصوصی در کشور فعال‌اند. در این دارالعلوم‌ها که بیشتر شبیه مدرسه‌های مذهبی‌اند، ۲۵۰ هزار و ۵۷۴ دانش‌آموز تنها در سال ۱۴۰۱ خورشیدی مصروف فراگیری آموزش‌های دینی بوده‌اند.

تبدیل کردن آرامگاه احمدشاه مسعود به مدرسه
منابع آگاه به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که طالبان قصد دارند یک مدرسه جهادی بزرگ در آرامگاه احمدشاه مسعود در پنجشیر بسازند. این منابع روز چهارشنبه، ۲۲ سرطان، به روزنامه ۸ صبح تأیید کرده‌اند که این مدرسه بزرگ جهادی از سوی طالبان در ساحه سرپچه، از مربوطات بازارک پنجشیر، در آرامگاه احمدشاه مسعود ساخته می‌شود. بربنیاد معلومات منابع، این مدرسه برای حدود یک هزار دانش‌آموز در نظر گرفته شده است و به دستور ملا هبت‌الله، رهبر طالبان، ساخته می‌شود.

تبدیل کردن ساختمان‌های تلویزیون‌های خصوصی به مدرسه دینی

طالبان علاوه تبدیل کردن ساختمان‌های دولتی و مکتب‌های دولتی به مدرسه، شماری از ساختمان‌های تلویزیون‌های خصوصی را نیز به مدرسه دینی تبدیل کرده‌اند. این گروه روز چهارشنبه، ۱۱ جوزا، ساختمان تلویزیون خصوصی میترا در ولایت بلخ را به یک مدرسه دینی اختصاص دادند. صاحب امتیاز تلویزیون خصوصی میترا عظامحمد نور، والی پیشین بلخ است. نشرات این تلویزیون خصوصی پس از سقوط حکومت به دست طالبان، متوقف شده است. نورالله منیر، سرپرست پیشین وزارت معارف طالبان، مدرسه دینی در ساختمان تلویزیون میترا را افتتاح کرد.

نقش شاگردان مدرسه‌های دینی در جاسازی مابین‌های مقنطیسی در زمان جمهوریت

در زمان جمهوریت گزارش‌های متعددی از دست داشتن شماری از شاگردان مدرسه‌های دینی در ساخت‌وساز مابین‌های کنارجاده و مقنطیسی به نشر رسیده است. نیروهای امنیتی پیشین بازداشت‌های بالفعل این شاگردان را نیز در کارنامه داشته‌اند. براساس روزشمار وقایع روزنامه ۸ صبح، در زمان جمهوریت نیروهای امنیتی دو تن از شاگردان مدرسه «عبدی‌بای» را در شهر چاریکار، مرکز ولایت پروان و در منطقه شکارگاه ولسوالی سالنگ در هنگام جاسازی مابین‌های مقنطیسی بازداشت کرده‌اند. این تنها یک نمونه از بازداشتی‌های شاگردان مدرسه‌های دینی در اعمال تخریب‌کارانه در زمان جمهوریت است. در این زمینه اطلاعات فراوانی هم در نهادهای دولتی و هم در رسانه‌ها ثبت و نشر شده است.

مدرسه‌های مربوط به داعش

سوءاستفاده از مدرسه‌ها در کشور تاریخ طولانی دارد. در زمان جمهوریت که نهادهای دولتی تقریباً نظارت کلی بر اوضاع آموزش داشتند، نیز برخی از مدرسه‌ها در اختیار گروه‌های تروریستی قرار داشتند. در زمان جمهوریت بیش از ۱۰ مدرسه دینی فعال در ولایت ننگرهار مربوط به داعش بود که در آن‌ها به جنگ‌جویان خود آموزش می‌دادند. مسوولان ریاست حج و اوقاف پیشین در ولایت ننگرهار در صحبت با رسانه‌ها تأیید کردند که شاگردان مدارس دینی مربوط به داعش، پسران جنگ‌جویان این گروه‌اند و همچنان شمار اندکی از باشندگان منطقه در این مدرسه‌ها آموزش می‌بینند. براساس آمار مراجع رسمی که نمی‌خواهند هویت‌شان فاش شود، با تسلط طالبان بر کشور حدود ۴۰ درصد فعالیت مدارس دینی در کشور افزایش یافته و به‌شکل رسمی ثبت شده است. بربنیاد گزارش وزارت‌های معارف و حج و اوقاف طالبان، در حال حاضر حدود شش هزار مدرسه دینی به‌صورت رسمی در کشور ثبت شده‌اند. افزون بر این، از فعالیت غیررسمی ۱۵ هزار و ۷۱۶ مدرسه و دارالحفاظ نیز خبر داده شده است.

وزارت معارف در زمان جمهوریت از ثبت یک هزار و ۲۷۵ باب مدرسه و ۱۵۰ باب دارالعلوم فعال خبر داده بود. به‌تازه‌گی رحمت‌الله نبیل، رییس عمومی امنیت ملی پیشین، گفته است که جیش محمد و لشکر طیبیه به لطف طالبان و دسترسی به فناوری و قلمرو بیشتر، پایگاه‌های‌شان را به افغانستان منتقل کرده‌اند.

دزدی‌های مسلحانه در بلخ؛

دختری به دلیل داشتن تلفن هوشمند کشته شد

۸ صبح، بلخ

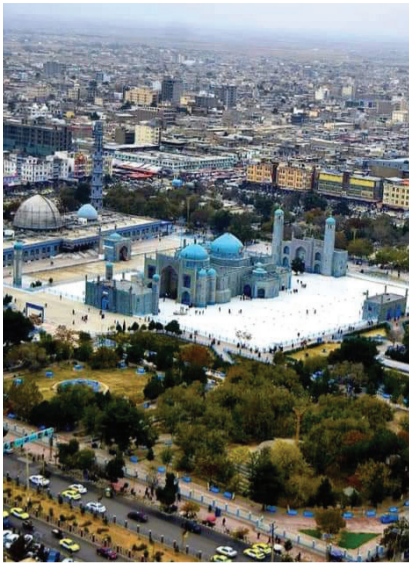
هرچند طالبان ادعا می‌کردند که با روی کار آمدن رژیم آن‌ها و وضع قیود سخت‌گیرانه بر خلاف‌کاری‌های کوچک، دزدی‌های مسلحانه در بزرگ‌شهرها کاهش یافته، اما رهنی‌ها به قوت خود باقی مانده است. بزرگ‌شهرهای کشور به‌ویژه کابل، بلخ، هرات، ننگرهار و شماری از ولایت‌های دیگر همه‌روزه گواه سرقت‌های مسلحانه است؛ سرقت‌هایی که در مواردی به قتل نیز می‌انجامد. دزدان مسلح به‌تازگی یک دختر جوان را برای دزدیدن تلفن هوشمندش در شهر مزارشرف کشته‌اند. خانواده قربانی این رهنی، خواهان بازداشت و مجازات عاملان قتل دختر خود است. طالبان تاکنون هیچ فردی را در پیوند به قتل این دختر جوان بازداشت نکرده‌اند.

آن‌چنان که بسته‌گان این دختر جوان توضیح می‌دهند، نام او حبیبه بوده و ۲۴ سال سن داشته است. حبیبه رحیمی حدود سه سال پیش از رشته قابله‌گی فارغ شده و برای مدت دو سال به‌عنوان قابله در شفاخانه رهنورد ولایت بلخ کار کرده بود، اما با تسلط دوباره

طالبان بر کشور و وضع محدودیت بر فعالیت‌های زنان، شغلش را از دست داد. نامزد حبیبه می‌گوید که با تسلط طالبان بر بلخ، او در یکی از آرایشگاه‌های شهر به‌عنوان کارمند روزمزد وظیفه اجرا می‌کرد و از این رهگذر مزدی اندک به دست می‌آورد.

حبیبه دو سال پیش با محمدشرف نامزد شده بود. این زوج جوان ده‌ها آرمان و آرزو برای زنده‌گی مشترک داشتند که همه نقش بر آب شده است. محمدشرف، نامزد حبیبه، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که این دختر جوان حوالی ساعت ۸:۰۰ صبح دوشنبه، ۷ قوس، در مربوطات ناحیه نهم شهر مزارشرف هنگام رفتن به سوی محل کارش توسط دزدان مسلح کشته شد. محمدشرف می‌افزاید که نامزدش در برابر دزدان مقاومت کرده و این دزدان با شلیک گلوله به قسمت گوش راست، او را به قتل رسانده‌اند. به گفته او، دزدان پس از گرفتن موبایل هوشمند حبیبه، ساحه را ترک کرده‌اند.

سلما و زهرا، همکاران حبیبه، هنگام قتل او یک‌جا به سوی محل کار در حرکت بوده‌اند. سلما در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «دو فردی که سوار بر



موترسایکل بودند، در نخست خواستند که از کنار ما با سرعت زیاد و فاصله نزدیک عبور کنند؛ اما همین که صدای ماشین موترسایکل را شنیدیم، من با حبیبه و زهرا از سرک فرعی به پیاده‌رو رتیم. لحظاتی بعد همین موترسایکل مشکوک دوباره در مقابل ما آمد. با سرعت زیاد به سوی ما در حرکت بود. در دست فرد دومی سوار بر موترسایکل تفنگچه را دیدیم. من و زهرا با صدای بلند فریاد زدیم که ما را نجات بدهید.» سلما می‌افزاید: «همین که تفنگچه را در دست فرد موترسایکل سوار دیدیم، با ناله و فریاد پای به فرار گذاشتیم، اما حبیبه از دیدن این حالت وحشت‌زده شده بود و نتوانست فرار کند.»

سلما علاوه می‌کند که دزدان مسلح موترسایکل خود را متوقف و بالای حبیبه حمله کردند تا تلفن و دستکول او را برابیند، اما حبیبه در برابر آن‌ها مقاومت کرد. به گفته این شاهد عینی، دزدان مسلح با شلیک گلوله

بر قسمت گوش راستش، حبیبه را کشتند و از محل فرار کردند. سلما همچنان توضیح می‌دهد، هنگامی که یکی از دزدان مسلح بالای حبیبه شلیک کرد، او در کنار سرک ضعف کرده و وضعیت صحتی‌اش کاملاً خراب شده بوده است. مردم به محل رویداد جمع شده و لحظاتی بعد نیروهای طالبان ساحه را تحت کنترل گرفته‌اند.

محمدشرف، نامزد حبیبه، خاطر نشان می‌سازد که هنگام قتل حبیبه او مشغول وظیفه در حیرتان بوده و از مرگ نامزدش توسط همکارانش آگاه شده است. محمدشرف علاوه می‌کند: «وقتی خبر مرگ نامزدم را شنیدم، از همان لحظه شوکه شده‌ام و زنده‌گی‌ام کاملاً تاریک شده است.»

بسته‌گان حبیبه از مسوولان امنیتی طالبان می‌خواهند تا عاملان قتل این دختر جوان را هرچه زودتر شناسایی و بازداشت کنند و همچنان برای جلوگیری از گشت‌زنی دزدان موترسایکل سوار اقدام جدی روی دست بگیرند. نیروهای طالبان هرچند از ادامه تحقیقات خبر می‌دهند، اما تاکنون هیچ فردی را در پیوند به قتل حبیبه بازداشت نکرده‌اند.

تنها بلخ گواه سرقت‌های مسلحانه نیست، بلکه بزرگ‌شهرهای دیگر کشور نیز همه‌روزه دست‌کم گواه یک رویداد رهنی هستند. باشنده‌گان هرات نیز از افزایش دزدی‌های مسلحانه شکایت دارند و می‌گویند که موترسایکل، تلفن هوشمند و دستکول دختران و زنان از شر رهنان در امان نیست. افزون بر این، نظم شهری در پایتخت کشور نیز آن‌چنان که لازم است، وجود ندارد. دزدی خانه‌ها زیر عنوان تلاشی، ربودن تلفن و پول نقد از مسافران در موتره‌های مسافربری و رهنی‌های مسلحانه از مواردی‌اند که شکایت شهروندان را به همراه دارد.

ذخایر ارزی خارجی در اختیار طالبان قرار داده نشود

آر ادسازی میلیاردها دالر، [آن هم] در شرایطی که مقدار هنگفت پول نقد [هفته‌وار] به کابل سر از زیر می‌شود، خطر مشروعیت‌بخشیدن به یک رژیم تندرو را به همراه دارد.

نویسنده:

سراج‌الدین ایثار، کارمند ارشد سابق بانک مرکزی افغانستان

منبع:

فارن پالیسی

هیأت مدیره صندوق امان پولی افغانستان مستقر در سوئیس، هفته گذشته برای اولین بار در جینوا تشکیل جلسه داد تا در مورد سرنوشت ۳.۵ میلیارد دالر (بخشی از ۷.۱ میلیارد دالر ذخیره ارزی افغانستان در ایالات متحده) تصمیم بگیرد که اخیراً از واکنشنگن به صندوق مستقر در بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (BIS) به این کشور منتقل شده است.

این صندوق در ۱۴ سپتامبر ظاهراً به هدف تثبیت نرخ و قیمت ارز ایجاد شد. [این صندوق] چهار مفتش دارد: انورالحق احدی، رییس سابق بانک مرکزی افغانستان، شاه محرابی، استاد دانشگاه امریکایی-افغانستان که در شورای عالی بانک مرکزی افغانستان باقی مانده است، اسکات میلر، سفیر ایالات متحده در سوئیس و الکساندرا باومن، یکی از مقام‌های وزارت خارجه سوئیس.

وزارت امور خارجه ایالات متحده در بیانیه‌ای اعلام کرده است که صندوق امانت پولی افغانستان دور از دسترس طالبان خواهد بود، اما به‌ویژه می‌توان از آن برای پوشش پرداخت بدهی به موسسات مالی بین‌المللی و پرداخت هزینه واردات برق و خدمات کلیدی بانک مرکزی مانند سویفت استفاده کرد. یکی از چهار مفتش صندوق امانت پولی افغان اخیراً با تأیید این موضوع اظهار داشت که این وجوه می‌تواند برای برخی هزینه‌های غیرپولی دیگر مانند چاپ پاسپورت و واردات انرژی نیز استفاده شود. اما مشکل آزدسازی ذخایر ارزی خارجی در این است که تا حدودی تعامل با طالبان را در بر می‌گیرد و بنابراین به ناچار به رژیم مشروعیت می‌بخشد.

براساس قانون بانک‌داری افغانستان، ذخایر ارزی خارجی باید در سطح کافی برای حفظ ثبات اقتصاد کلان و قیمت‌ها حفظ شود که این یکی از اهداف اولیه بانک مرکزی است. استفاده از ذخایر خارجی برای مقاصد غیرپولی، فراتر از اهداف مورد نظر است. مهم‌تر از آن، در حالی که طالبان مقادیر زیادی عواید را از منابع زیادی به دست آورده‌اند، آزد کردن بودجه برای چنین اهدافی فایده‌ای ندارد.

دست آورده‌اند که براساس تحلیل‌های کمک‌های مالی بریتانیا، مقدار صادرات از یک میلیون تن در سال قبل از تسلط طالبان به چهار میلیون تن افزایش یافته است. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که این منجر به افزایش سه‌برابری درآمد مالیاتی شده است که اکنون ارزش تخمینی ۱۶۰ میلیون دالر دارد. علاوه بر زغال‌سنگ، صادرات دانه کاج به چین که ماه گذشته از سر گرفته شد، به‌طور بالقوه می‌تواند سالانه ۸۰۰ میلیون دالر به خزانه کابل وارد کند.

طالبان همچنین از فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی، همچون [تولید و قاچاق] مواد مخدر و استخراج غیرقانونی معادن عواید جمع‌آوری می‌کنند. دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل در این ماه گزارش داد که به رغم اعلام ممنوعیت کشت خشک‌ش از سوی طالبان در ماه اپریل، «برداشت محصول از این مواد امسال زیاد تحت تاثیر این ممنوعیت قرار نگرفت.» این گزارش نشان داد که برداشت خشک‌ش از ماه اگست ۲۰۲۱ یک سوم افزایش یافته است.

با توجه به این راه‌های درآمدزا، هیچ تقاضای فوری برای آزدسازی وجوهی که در نهایت به نفع طالبان باشد وجود ندارد. طالبان توسط هیچ کشور خارجی به رسمیت شناخته نشده‌اند. بنابراین، آزدسازی این وجوه خطر برداشتن گام دیگری در جهت عادی‌سازی تسلط طالبان را به همراه خواهد داشت. در واقع، تحویل اسکناس‌های افغانی تازه چاپ‌شده در پولند به طالبان، راه را برای به رسمیت‌بخشی گسترده‌تر هموار کرده است.

براساس داده‌های بانک مرکزی افغانستان، از ماه دسامبر گذشته، کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی به افغانستان ارایه شده است. بی‌بی‌سی فارسی اخیراً گزارش داده است که بین ماه اگست تا نوامبر سال جاری، در مجموع ۵۶۰ میلیون دالر بسته‌های نقدی به افغانستان تحویل داده شده است که می‌تواند به نفع طالبان باشد.

به گفته سازمان ملل، طالبان در کمک‌های بشردوستانه مداخله می‌کنند و به‌طور فزاینده‌ای

به دنبال تأثیرگذاری بر «انتخاب ذی‌نفعان و توزیع کمک‌ها به افرادی‌اند که در فهرست‌های اولویت‌شان قرار دارند.»

علاوه بر این، دسترسی به تحویل نقدی، طالبان را قادر می‌سازد تا دالره‌های امریکا را در داخل کشور به حراج بگذارند و در نتیجه نرخ ارز را ثابت نگه‌دارند. براساس گزارش بانک جهانی که در ماه اکتوبر منتشر شد، «نوسان نرخ ارز کاهش یافته است.»

با توجه به ثبات پول داخلی، نیازی فوری به آزدسازی ذخایر خارجی وجود ندارد. خطر در کاهش اقداماتی است که بر وجوه اعمال شده است. پیش از این نیز درخواست‌هایی مبنی بر آزدسازی پول به بانک مرکزی که تحت کنترل طالبان است، وجود داشته است. با این حال انجام این کار خطرات قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. از درآمدهایی که طالبان تاکنون به دست آورده‌اند، «فقدان شفافیت کامل» در مورد نحوه مصرف آن وجود داشته است.

با وجود این، اندازه «دولت» واقعی طالبان به‌طور قابل توجهی کوچک شده است و منابع مالی همچنان برای خدمات عمومی تخصیص داده نمی‌شود. اکثریت کارمندان دولت نیز حقوق دریافت نمی‌کنند. براساس گزارشی توسط Chatham House که در ماه اگست منتشر شد، «موسسات دولتی ملکی که قبلاً بزرگ‌ترین سکتور کارآفرینی کشور بود، اکنون قادر به پرداخت حقوق حتا پرسنل کاهش‌یافته خودش نیست. طالبان همچنین حقوق کارمندان دولت را کاهش داده است.»

به جای آن پول کجا رفته است؟ منطقی است که حدس بزنیم اکثریت به بخش امنیتی یا دیگر اولویت‌های طالبان، از جمله غرامت به خانواده‌های بمب‌گذاران انتحاری اختصاص داده شده است.

با توجه به تهدیدات امنیتی فراوان ناشی از غنی‌سازی رژیم طالبان، نگه‌داری از ذخایر ارزی در خارج از کشور تا زمانی که یک دولت همه‌شمول و کارآمد شکل نگیرد، به نفع افغانستان و سودآورتر است.

جبر و اختیار در جدال شیرو نخچیران

پرتو نادری بخش نخست

این حکایت گنجینه‌ای است از اندیشه‌های فلسفی در پیوند به جبر و اختیار، دیدگاه‌های مذهبی در پیوند به قضا و قدر، عرفان و موضوعات اجتماعی و تلاش برای زیستن که مولانا در نتیجه‌گیری‌های خود در بخش‌های گوناگون به بیان چنین اندیشه‌هایی پرداخته است.

کز وظیفه ما ترا داریم سیر
بعد از این اندر پی صیدی میا
تا نگردد تلخ بر ما این گیا

نخچیران نه از چراگاه دل کنده می‌توانستند و نه هم توان مقابله با شیر را داشتند. ناگزیر روزی با جانوران دیگری که در این چراگاه زنده‌گی داشتند، گرد هم آمدند و مشورت کردند که باید کاری کنند تا از شر شیر رهایی یابند. پس از مشورت‌های دراز به این اندیشه رسیدند که نزد شیر شوند و بگویند که ما هر روزه سه وقت خوراک تو را از هرگونه جانوری می‌فرستیم؛ تو هم از این حمله‌های پی‌درپی و خون‌ریزی‌ها دست بردار و زنده‌گی را این همه برای ما تلخ و ناگوار مساز.

وقتی آن‌ها فیصله خود را به شیر گفتند، شیر گفته آنان را باور نکرد و شرط‌هایی را در میان گذاشت.



چند نکته آغازین

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در دفتر اول مثنوی معنوی روایتی دارد زیر نام «توکل و ترک جهد گفتن نخچیران به شیر» که یکی از حکایت‌های دراز مثنوی است.

مولانا در این حکایت همان‌گونه که شیوه کار او است، برای روشن‌سازی بیش‌تر اندیشه‌های خود رشته‌حکایت‌های کوتاهی را نیز در لابه‌لای این حکایت آورده است.

این حکایت گنجینه‌ای است از اندیشه‌های فلسفی در پیوند به جبر و اختیار، دیدگاه‌های مذهبی در پیوند به قضا و قدر، عرفان و موضوعات اجتماعی و تلاش برای زیستن که مولانا در نتیجه‌گیری‌های خود در بخش‌های گوناگون به بیان چنین اندیشه‌هایی پرداخته است.

به تعبیر خودش، مولانا در این پیمانانه معنای رنکارنگی را به ما فرستاده است. حکایت میدان بزرگی دارد برای جدال توکل و جهد، مقابله جبر و اختیار و موضوعات اجتماعی.

کرکترها همه جانوران‌اند. در یک‌سوی شیر است که از جهد و اختیار سخن می‌گوید و می‌خواهد هرگونه درنده‌گی خود را در برابر جانوران دیگر توجیه کند. در برابر او نخچیران و جانوران دیگر ایستاده‌اند که از توکل و قضا و قدر سخن می‌گویند. می‌خواهند شیر را قناعت دهند که به بهانه جهد و اختیار به درنده‌گی و خون‌ریزی تلاش نکند که بالاتر از آن‌چه که در قضا و قدر برایش تعیین شده است، چیز بیش‌تری به دست آورده نمی‌تواند.

در این میانه، خرگوش چنان نماد خرد، دوراندیشی و چاره‌اندیشی نمی‌پذیرد که هر روزه یکی از جانوران این وادی به پای خود به نزد شیر برود و خوراک او شود.

خرگوش چنین چیزی را یک جبر همیشه‌گی می‌داند. چنین است که برخلاف همه جانوران دیگر به جنگ شیر می‌رود.

روزگاری گروه نخچیران در چراگاهی زنده‌گی می‌کردند. خوش بودند و همه چیز گوارا و به مراد بود؛ اما در نزدیکی‌های این چراگاه شیری نیز زنده‌گی می‌کرد.

شیر هر بار که گرسنه می‌شد، از چپ و راست بر چراگاه هجوم می‌آورد، نخچیری را می‌گرفت، می‌درید و می‌خورد. شیر این چراگاه خوش و خرم را برای آن‌ها به دوزخی بدل کرده بود.

طایفه نخچیر در وادی خوش
بودشان از شیر دایم کشمکش
بس که آن شیر از کمین می در ربود
آن چرا بر جمله ناخوش گشته بود
حیله کردند آمدند ایشان به شیر

گفت آری گر وفا بینم نه مکر
مکرها بس دیده‌ام از زید و بکر
من هلاک فعل و مکر مردم
من گزیده زخم مار و کژدم
مردم نفس از درونم در کمین
از همه مردم بتر در مکر و کین
گوش من لایذغ المؤمن شنید
قول بیغامبر به جان و دل گزید

شیر گفت: درست است، اما شرط من این است که شما باید به پیمان خود پای‌بند بمانید و نباید نیرنگی در میان باشد. برای آن‌که من از مردم نیرگ‌های زیادی دیده‌ام. مرا فریب داده‌اند. من مارگزیده‌ام، نیرنگ و فریب مردمان چنان مار و کژدم بر من نیش زده‌اند.

این نفس هم در درون من بدتر از نیرنگ مردمان مرا نیش می‌زند. من به گوش خود شنیده‌ام که پیغمبر گفته است: انسان مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. یعنی اگر کسی دست در سوراخی کرد و زنده‌جانی او را گزید، بار دیگر دست در آن سوراخ نمی‌کند. یعنی انسان باید از هر اشتباه خود پند گیرد و نباید اشتباه خود را تکرار کند. سخنان شیر بحث درازی را در میان او و نخچیران سبب می‌شود. مولانا در این قصه نکته‌های ژرف و گسترده‌ای را در پیوند به یک رشته موضوعات فلسفی، عرفانی، قضا و قدر و جبر و اختار به میان می‌آورد.

بدین‌گونه قصه را به یک گفت‌وگوی جدی عرفانی، فلسفی و دینی بدل می‌سازد. نخچیران در پاسخ شیر بیش‌تر از قضا و قدر، جبر و توکل سخن می‌گویند.

جمله گفتند: ای حکیم باخبر
الحذر دَع، لیسَ یعنی عَن قَدَر
در حذر شوریدن شور و شر است
رو توکل کن، توکل بهتر است
با قضا پنجه مزن ای تند و تیز
تا نگیرد هم قضا با تو ستیز
مرده باید بود پیش حکم حق
تا نیاید زخم از ربِّ الفلق

آهوان، شیر را «حکیم باخبر» یا حکیم آگاه خطاب می‌کنند. شاید به این دلیل بحث جدی‌ای را در میان می‌گذارند و می‌گویند: ای حکیم باخبر این همه از توکل دوری و احتراز مکن! این احتراز و دوری نمی‌تواند آن‌چه را که در تقدیر تو است تغییر دهد و کسی تقدیر خود را هم نمی‌تواند تغییر دهد. باید بدانی مقابله با تقدیر همه‌اش شوراندازی است. توکل کن که بهترین راه در زنده‌گی توکل به خدا است.

معضل اعتیاد؛

هم‌نشینان بد

نظام‌الدین را معتاد کردند

۸ صبح، هرات



براساس آخرین آمار که از سوی ریاست مبارزه با مواد مخدر طالبان نشر شده، دست‌کم ۷۵ هزار معتاد در شهر و ولسوالی‌های هرات حضور دارند. در این میان حدود پنج هزار زن نیز شامل‌اند.

هر چه بکشم، پول‌هایم به این زودی‌ها خلاص نمی‌شود؛ اما وقتی معتاد شدم، در ظرف دو سال تمام زنده‌گی‌ام رفت و حتا مجبور شدم به خاطر سیال و دیار جاه و جایگاه خود را هم ترک کنم و بیایم و از ولسوالی خود کوچ کنم و در منطقه دیگری بیایم.

نظام‌الدین از ولسوالی ادرسکن هرات است. پس از روی آوردن به اعتیاد، دیگر نتوانسته در منطقه خود زنده‌گی کند. نه تنها خودش، بلکه خانواده‌اش نیز منطقه را ترک کرده است. او اکنون با خانواده‌اش در یک خانه کرایه‌ای در ولسوالی گزده زنده‌گی می‌کند. این جوان تا هنوز مجرد است و اعتیاد اجازه نمی‌دهد به فکر تشکیل خانواده افتد. ماهی یک یا دو بار برای دیدن مادر و برادرش می‌رود و بقیه وقت خود را در جاده‌ها سپری می‌کند.

نظام‌الدین، جوانی که روزگاری صاحب زنده‌گی خوبی بوده، امروز با شکم گرسنه و در هوای سرد هرات شب‌ها را در روی جاده‌ها سپری می‌کند. او توضیح می‌دهد: «جای مشخص ندارم. روزها و شب‌ها هر جایی برابر شد، خود را پرتو می‌کنم. روزانه از جمع‌آوری همین پلاستیک‌ها ۵۰ روپیه جمع می‌کنم، او را هم می‌روم از نمبر یک به خود مواد می‌خرم. حتا وقت‌هایی بوده که یک هفته گرسنه بودم و هیچ چیزی پیدا نشده تا بخورم.» این معتاد در مواردی روزها تلاش می‌کند، اما پلاستیک و آهن‌پاره کافی برای فروش گردآوری نمی‌تواند.

با این حال، داکتران می‌گویند در صورتی که از مواد مخدر در اماکن عمومی استفاده شود، در کنار فرد معتاد، دود این مواد می‌تواند به افراد دیگر نیز زیان وارد کند. حیدر، یکی از داکتران در هرات، می‌گوید: «استفاده از مواد مخدر در مکان‌های عمومی سبب انتقال امراض گوناگون به افراد سالم می‌شود و همچنین سبب می‌شود که افراد از همین طریق به مواد مخدر اعتیاد پیدا کنند.»

هرچند آمار مشخص از معتادان مواد مخدر در دسترس نیست، اما براساس آخرین آمار که از سوی ریاست مبارزه با مواد مخدر طالبان نشر شده، دست‌کم ۷۵ هزار معتاد در شهر و ولسوالی‌های هرات حضور دارند. در این میان حدود پنج هزار زن نیز شامل‌اند.

از سوی دیگر، مولوی عبدالخالق همکاری، معاون ریاست مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله طالبان، گفته است که حدود سه‌ونیم میلیون تن در سراسر کشور به مواد مخدر معتادند.

در جاده‌های عمومی، فرعی، خیابان‌ها و پارک‌های تفریحی هرات جوانان زیادی به چشم می‌خورند که با شکم گرسنه و خمار مواد مخدرند. با هر کدام که صحبت شود، می‌گوید که روزگاری صاحب خانه، موتر، کاروبار و سرمایه بوده، اما هم‌نشینی با دوستان بد و مهاجرت به ایران سبب شده که به اعتیاد روی بیاورد.

از جاده عمومی تانک مرکزی به سمت میدان هوایی شهر هرات در حال گذر بودم. در منطقه شفاخانه نور چشمم به جوانی افتاد که در هوای سرد خریطه‌های پلاستیکی را از میان گل‌ولای گردآوری می‌کرد و در آب‌های گندیده شده که از باران‌ها جمع شده بود، غطه‌ور می‌ساخت. خود را به او نزدیک‌تر ساختم و دلیل این کارش را پرسیدم. در پاسخ گفت: «این خریطه‌های پلاستیک را از وسط آشغال‌ها جمع می‌کنم، باز شست‌وشو می‌کنم و وقتی یک بوجی پر شد، می‌برم به ۵۰ افغانی می‌فروشم.»

ظاهراً زنده‌گی این جوان معتاد با گردآوری زباله‌ها و فروش آن سپری می‌شود. در کنار جاده نشستم و درباره خود این جوان و زنده‌گی‌اش پرسیدم. نامش نظام‌الدین است و ۲۸ سال سن دارد. نظام‌الدین می‌گوید: «از اول با این بدبختی زنده‌گی نمی‌کردم. از این عمر خود فقط ۲۰ سال با دوران کودکی درست زنده‌گی کرده‌ام. هشت سال پیش وقتی با دوستانی که معتاد بودند نشست و برخاست را شروع کردم، معتاد شدم و به بدبختی روی آوردم.»



نظام‌الدین به گفته خودش روزگاری دارای صحت کامل، خانواده و وضعیت بهتر اقتصادی بوده است، اما حالا هفته‌ها نان شکم‌سیر برایش میسر نمی‌شود. او می‌افزاید: «در اول خیلی پول دار بودم و فکر می‌کردم

جبر و اختیار در...

این همه تند و تیز پنجه در پنجه قضا و قدر میفکن و سستیزه‌جویی مکن که نشود قضا در برابر تو به مقابله و سستیزه برخیزد. بهتر آن است که در برابر حکم خداوند بی هیچ مقابله و حرکتی تسلیم باشی تا از خشم و زخم آفریدگار بامداد و روشنی در امان بمانی. در پیوند به مفهوم توکل باید گفت که توکل اعتماد را گویند. تکیه و اعتماد کردن به خداوند و واگذار کردن کارهای خود به خداوند است که نتیجه همه کارها در این جهان از سوی خداوند می‌آید.

در لغت‌نامه دهخدا آمده است: «بعضی‌ها گفته‌اند توکل آن است که از مصیبت قلب یقین داشته باشی که آفریننده تو، ضامن روزی تو است و اگر روزی تو آن هم در اندیشه تو، اندکی دیر رسد از خدای تعالی نخواهی که اسباب فراهم کند تا روزی تو مهیا شود. با این همه شماری از دانشمندان دانش اسلامی باور دارند که توکل به خداوند به مفهوم مانع شدن از توسل به اسباب نیست.» (لغت‌نامه دهخدا، ج پنجم، دوره جدید، ردیف ت، ۱۳۷۷، ص ۷۱۴۷)

با این همه دلایلی که نخچیران در پیوند به توکل به شیر گفتند، او سخنان آنان را نمی‌پذیرد و چنین پاسخ می‌دهد:

گفت آری گر توکل رهبر است
این سبب هم سنت پیغمبر است
گفت پیغامبر به آواز بلند
با توکل زانوی اشتر ببند
رمز الکاسب حبیب‌الله شنو
از توکل در سبب کاهل مشو

شیر می‌گوید: درست می‌گویید. باید در زنده‌گی به خداوند توکل داشت و با توکل گام برداشت. من منکر توکل نیستم، اما بدانید که این جهان، جهان سبب‌ها است و استفاده از سبب‌ها و تلاش انسانی خود سنت پیغمبر است؛ مگر نشنیده‌اید که پیغمبر با آواز بلند به یاران خود گفت: با توکل زانوی اشتر ببند! او نگفت که با توکل اشتر را رها کن! این بستن زانوی اشتر خود استفاده از سبب‌ها است و بیان تلاش انسانی است تا اشتر خود را از دست ندهد و در چنگ دزدان رهایش نکند.

آن که در زنده‌گی دست به کسب‌وکار می‌زند و تلاش نیک می‌کند، دوست خداوند است. خداوند چن کسان را دوست دارد. نباید به بهانه توکل کردن، به تنبلی و بی‌کاره‌گی تن داد. خداوند تن‌پروران را دوست ندارد.

نخچیران، بار دیگر در پاسخ شیر از توکل سخن می‌گویند:

قوم گفتندش که: کسب از ضعف خلق
لقمه تزویر دان بر قدر خلق
نیست کسبی از توکل خوب‌تر
چیست از تسلیم خود محبوب‌تر
بس گریزند از بلا سوی بلا
بس چه‌ند از مار سوی اژدها
حیله کرد انسان و حیله‌ش دام بود
آن که جان پنداشت خون‌آشام بود

قوم این‌جا کنایه از همان طایفه نخچیران است که در پاسخ می‌گویند: این همه تلاش و کسب روزی در میان مردم برخاسته از کم‌زوری ایمان آنان است. وقتی اعتمادی به وعده خداوند وجود نداشته باشد، چنین کسانی به هرگونه‌ای، چه با نیرنگ و فریب و چه با شیوه دیگری، تلاش می‌کنند تا لقمه‌ای در گلو خود اندازند، اما هرگز نمی‌توانند بیش‌تر از توان گلو خویشت لقمه‌ای بردارند. هیچ تلاشی و کسب‌وکاری بهتر از توکل نیست. در برابر خداوند بهترین چیز توکل کردن و تسلیم بودن است.

بسیار دیده شده است که مردمان برای تغییر تقدیرشان تلاش کرده‌اند، چاره‌گری کرده‌اند، اما این تلاش‌ها و چاره‌گری‌ها، به همان گریختن از نیش مار به سوی اژدها می‌ماند. از بلایی می‌گریزند، اما نمی‌دانند که به سوی بلای بزرگ‌تری در گریزند. مردمان با چاره‌گری‌های خود در هوای آن استند که به زنده‌گی تازه‌ای برسند و از دام تقدیر خود رهایی یابند، اما این تلاش‌ها و چاره‌گری‌ها نه‌تنها سبب رهایی آنان نمی‌شود، بلکه به دام دیگری بدل می‌شوند.

گاهی مردمان چیزی را زنده‌گی می‌پندارند و به سوی آن با اشتیاق می‌شتابند؛ در حالی که آن چیز شاید یک جانور خون‌خوار و درنده باشد، مرگ باشد. برای زنده ماندن تلاش می‌کنند، اما در دام مرگ می‌افتند.

مولانا این بحث را با تمثیل‌های دیگری این‌گونه در گفته‌های آهوان پی می‌گیرد:

در بیست و دشمن اندر خانه بود
حیله فرعون زین افسانه بود
صد هزاران طفل کشت آن کینه‌کش
وان که او می‌جست اندر خانه‌اش
دیده ما چون بسی علت در اوست
رو فنا کن دید خود در دید دوست
دید ما را دید او و نِعَم العَوْض
یابی اندر دید او کُل عَرْض
طفل، تا گیرا و تا پویا نبود
مرکبش جز گردن بابا نبود
چون فضولی گشت و دست و پا نمود
در عِنا افتاد و در کور و کبود
جان‌های خلق پیش از دست و پا
می‌پریدند از وفا اندر صفا
چون به امر اَهْطُوا بندی شدند
حبس خشم و حرص و خرسندی شدند
آن که او از آسمان باران دهد
هم تواند کوز ز رحمت نان دهد

نخچیران گفتند: مردمان دروازه‌های خانه‌های‌شان را می‌بندند تا از شر دشمنان در امان بمانند، اما نمی‌دانند که دشمن پیش از پیش به خانه آنان رسیده و در خانه آنان جا گرفته است. مگر چنین چیزی بر فرعون نگذاشته است؟

آن مرد ستم‌کش، یعنی کسی که همیشه ستم‌گری با او بود، از ترس این‌که نوزادی به دنیا آمده و در آینده، تاج و تخت او را می‌گیرد، با نیرنگ و ستم‌گری هزاران نوزاد را کشت، اما نمی‌دانست که پیشاپیش، موسا را به خانه او آورده بودند. او همان‌جا پرورش می‌یافت. موسا دشمن او و دشمن آیین و بی‌عدالتی او بود. فرعون با همه تلاش و نیرنگی که داشت، نتوانست موسا را از سر راه بردارد.

دید ما پر از ناتوانی و علت است. چنین است که بسیار چیزها را دیده نمی‌توانیم و اگر دید ما در دید دوست یعنی در دید خداوند فانی شود، یعنی با آن یکی شود، این بهترین عوض است.

دید ما اگر در دید خدا فانی شود آن‌گاه همه علت‌ها و ناتوانی‌ها از دید ما دور می‌شوند و ما می‌توانیم همه چیز را به روشنی ببینیم.

کودکان تا آن‌گاه که با پای خود روان نیستند، شانه‌های پدر جای‌گاه آنان است. پدران کودکان‌شان را روی شانه‌های خود به هر سویی می‌برند. از رنج و درد راه رفتن خبری ندارند، اما بزرگ که می‌شوند و با پای خود به راه می‌افتند، آن‌گاه در هر گام با درد و رنجی روبه‌رو می‌شوند.

خداوند روح آدمی را پیش از بدن آفرید. روح آسوده بود و چون خداوند گفت: فرود آید و روح فرو آمد و در تن خاکی انسان جا گرفت، چنان بود که گویی به زندانی افتاد. در زندان خشم، حرص و شادمانی‌های دنیایی. روح این‌جا در شکنجه است و از درد دوری می‌سوزد و می‌خواهد به آزادی برسد.

ما نیازمندان و روزی‌خواران درگاه خداوندیم. او ما را سرپرستی می‌کند و از درگاه او روزی می‌خوریم. نگران روزی خود مباشید، خدایی که از آسمان باران فرو می‌بارد، برای روزی‌خواران خود نان نیز می‌دهد. با این همه، شیر هنوز سخنان آهوان را نمی‌پذیرد و بار دیگر بر اهمیت سبب‌ها در زنده‌گی تأکید می‌کند:

گفت شیر آری ولی رب العباد
نردبانی پیش پای ما نهاد
پایه پایه رفت باید سوی بام
هست جبری بودن این‌جا طمع خام
پای داری، چون کنی خود را تو لنگ
دست داری، چون کنی پنهان تو چنگ
خواجه چون بیلی به دست بنده داد
بی زبان معلوم شد او را مراد
دست همچون بیل اشارت‌های اوست
آخراذیشی عبارت‌های اوست



شیر می‌گوید: گفته‌های شما درست است، اما این را هم در نظر داشته باشید که پروردگار جهانیان نردبانی نیز پیش پای بنده‌گان خود گذاشته است. این نردبان ابزار و سببی است تا انسان پایه پایه بر آن بلند شود و خود را به هدف یعنی به بام برساند. با نردبان است که می‌توانی به بام برسی. این‌جا دیگر جبری بودن یک طمع خام است و با طمع خام کسی نمی‌تواند به جایی برسد.

وقتی تو پای داری و می‌توانی راه بروی، چرا خود را لنگ نشان می‌دهی؛ وقتی تو دست داری چرا دست خود را در آستین پنهان می‌کنی؟ زمانی خواجه یعنی ارباب یا صاحب‌کار، بیلی به دست کارگر خود می‌دهد، هدف او روشن است یعنی برو و با این بیل کار کن! باغ را بیل بزنی یا چیزی دیگری. خداوند که به ما دست داده است، این دست خود اشاره خداوند است که برو کار کن! ما باید در برابر اشاره‌های خداوند بیندیشیم، دوراندیش و آخراذیش باشیم.

چون اشارت‌هاش را بر جان نهی
در وفای آن اشارت جان دهی
بس اشارت‌های اسرار تو دهد
بار بر دارد ز نو کارت دهد
حاملی، محمول گرداند ترا
قابلی، مقبول گرداند ترا
قابل امر ویی قابل شوی
وصل جویی بعد از آن واصل شوی

هر کسی که اشارت‌های خدا را به جان می‌پذیرد، بدان که در راه به جا آوردن آن از جان خود می‌گذرد. اشارت‌های خدا اسرارانی است که خداوند آن را با بنده‌گان خود در میان گذاشته است.

وقتی خداوند بر تو امر می‌کند، به این مفهوم است که تو این شایسته‌گی را داری که به تو امر می‌کند و تو باید به این امر باور و ایمان داشته باشی. کسی که در راه رسیدن به خدا کوشش می‌کند و رهرو راه معرفت الهی می‌شود، در شمار واصلان می‌آید؛ یعنی خدا او را از دیدار خود محروم نمی‌سازد و او به دیدار خدا می‌رسد. (شعرهای متن از مثنوی معنوی بر اساس نسخهٔ قونیه، به تصحیح و پیش‌گفتار عبدالکریم سروش)

مولانا همچنان از زبان شیر به این بحث ادامه می‌دهد:

سعی شکر نعمتش قدرت بود
جبر تو انکار آن نعمت بود
شکر قدرت قدرتت افزون کند
جبر نعمت از گفت بیرون کند
جبر تو خفتن بود در ره مخسب
تا نبینی آن در و درگه مخسب
هان مخسب ای کاهل بی‌اعتبار
جز به زیر آن درخت میوه‌دار
تا که شاخ افشان کند هر لحظه باد
بر سر خفته بریزد نقل و زاد
جبر و خفتن در میان ره‌زنان
مرغ بی‌هنگام کی یابد امان
ور اشارت‌هاش را بینی زنی
مرد پنداری و چون بینی، زنی
این قدر عقلی که داری گم شود
سر که عقل از وی ببرد دم شود
زانک بی‌شکری بود شوم و شنار
می‌برد بی‌شکر را در قعر نار
گر توکل می‌کنی در کار کن
کشت کن پس تکیه بر جبار کن

کوشش کردن، شکر نعمت‌های خداوند است که انسان را توانا می‌سازد؛ در حالی که جبر خود انکار نعمت است. شکر قدرت، شکر برای توانایی‌هایی است که خداوند به انسان داده است. شکر قدرت، انسان را بیش‌تر توانمند می‌سازد؛ اما پیوستن به جبر و در جبر ماندن، سبب می‌شود نعمت‌هایی را که انسان

دارد از کفش بیرون رود.

این جبری بودن به آن می‌ماند که انسان در میانه راه بخواهد و سرنوشتش به دست راه‌زنان افتد. در حالی که کسی چون به راه می‌افتد آن‌گاه می‌خواهد که به منزل رسیده باشد و خود را به درگاه رسانده باشد.

هان ای کاهل بی‌اعتبار، اگر می‌خواهی به زیر آن درخت پر بار و میوه‌دار بخواب تا وقتی پادها می‌وزند بر سر تو نقل و زاد یعنی میوه‌های رسیده بریزند. این‌جا هدف از کاهل بی‌اعتبار، همان‌هایی‌اند که به جبر باور دارند. به همین‌گونه زاد به مفهوم خوراک و ره‌توشه است.

«مراد از درخت میوه‌دار شجره شهود است که ثمره معرفت بخشد. بعضی شارحان نوشته که خفتن در زیر درخت میوه‌دار نه عبارت از ترک عبادت است، بلکه رفع ثقل ریاضت و تلذذ از ثمرات آن است. پس زیر درخت میوه‌دار هر که اقامت گرفت او را راحت در بیداری باشد نه در خواب.» (اسرارالغیوب، شرح مثنوی معنوی، خواجه ایوب، ج اول، ص ۹۳)

باور به جبر به آن می‌ماند که کسی در میان ره‌زنان بخواهد که بی‌تردید ره‌زنان سر او را خواهند زد. همان‌گونه که اگر که مرغی ادای خروس در آورد و بانگ بزند، مردم سر او را می‌برند. در میان مردم این مثل وجود دارد: مرغی که مانند خروس بانگ می‌زند، سرش از بریدن است. همان‌گونه مردم باور دارند که اگر خروسی بی‌هنگام بانگ زند شگون نیک ندارد و باید سرش را برید.

چنان‌که اگر خروسی شام‌گاهان یا در آغاز شب بانگ زند، آن را نیز به شگون بد می‌گیرند و خروس را می‌کشند تا بلایی که آمده، بی‌زبان بگذرد.

اگر کسی در میان سخنان دیگران درآید و سخنی بی‌ربطی گوید، مردم او را خروس بی‌محل یا بانگ بی‌محل می‌گویند. یا هم می‌گویند که بی‌موقع بانگ مزن. در حقیقت با گفتن این مثل می‌خواهند که چنین کسی را خاموش سازند.

این مثل را در مورد آنانی نیز به کار می‌برند که سخنان بی‌مورد و بی‌جا می‌گویند و با چنین سخنانی نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کنند، بلکه مشکلات تازه‌ای را نیز به بار می‌آورند.

«بینی‌زدن» کنایه از نافرمانی است. وقتی کسی در برابر اشارت‌های خدا بی‌اعتنایی و نافرمانی می‌کند و خود را مرد می‌انگارد، اگر دقیق شود خود را زنی خواهد دید. یعنی از اسباب و ابزارهایی که خدا در اختیارش گذاشته است، کار نمی‌گیرد. خرد نیز ابزاری است که خداوند در اختیار انسان‌ها گذاشته است تا با استفاد از آن بتوانند زنده‌گی بهتری داشته باشد.

آن‌گاه از همین خردی که داری بگذری و آن را از دست بدهی، عقل از تو گم می‌شود و چون سری که عقل ندارد، دیگر سر نه، بلکه دم است. ناشکری چنان شرم‌آور و ننگین است که تو را به ژرفای دوزخ پرتاب می‌کند.

در کارهای خود باید به خداوند توکل کرد. نه این‌که تنبلی خود را به حساب توکل توجیه کنی. انسان اول کشت می‌کند، دانه می‌افشاند، بعد به خداوند تکیه می‌کند و حاصل برمی‌دارد. توکل به خداوند به مفهوم بستن دروازه‌های کوشش بنده‌گی و چشم بستن از همه اسباب دنیایی نیست.

در مقابل این گفته‌های شیر بار دیگر گله نخچیران بر توکل و تقدیر تأکید می‌کنند و می‌گویند: کسی نمی‌تواند بیش‌تر از آن چه که خداوند برای او تعیین کرده است، روزی بیش‌تری داشته باشد. پس باید به تقدیر و روزی‌ای که معین شده است، راضی شود.

جمله با وی بانگ‌ها برداشتند
کان حریصان که سبب‌ها کاشتند
صد هزار اندر هزار از مرد و زن
پس چرا محروم ماندند از زمن
صد هزاران قرن ز آغاز جهان
همچو اژدرها گشاده صد دهان
مکرها کردند آن دانا گروه
که ز بن بر کنده شد زان مکر، کوه
کرد وصف مکرهاشان ذوالجلال
لِتَزُولَ مِنْهُ أَقْلَالُ الْجِبَالِ
جز که آن قسمت که رفت اندر ازل
روی نمود از شکار و از عمل
جمله افتادند از تدبیر و کار
ماند کار و حکم‌های کردگار
کسب جز نامی مدان ای نامدار
جهد جز وهمی میندار ای عیار

سه جوان افغان در اتریش به اتهام تجاوز و قتل محاکمه شدند

۸ صبح، کابل: بر بنیاد گزارش‌ها، محکمه‌ای در اتریش سه جوان افغان را به اتهام تجاوز و قتل یک دختر ۱۳ ساله مجرم شناخته است.

رسانه‌های بین‌المللی روز شنبه، ۱۲ قوس، گزارش داده‌اند که دادگاه این جوانان را به اتهام دادن مواد مخدر به دختر ۱۳ ساله و تجاوز گروهی بر او محاکمه کرده است.

در پایان این محاکمه که در شهر وینا، پایتخت اتریش، برگزار شده بود، یک جوان ۲۴ ساله به حبس ابد و دو جوان ۱۹ ساله و ۲۰ ساله دیگر به ترتیب به ۱۹ و ۲۰ سال زندان محکوم شدند.

گفته می‌شود که این دختر به دلیل مقدار بالای مواد مخدری که به او داده شده، جان باخته است.

در پرونده این جوانان آمده است که این دختر نوجوان در ماه جولای سال ۲۰۲۱ می‌خواست لحظاتی از شب را با این مردان سپری کرده و سپس به خانه‌اش در حومه شهر وینا برود؛ اما در منزل یکی از این سه جوان، شش عدد قرص مخدر استکانزی حل شده در یک نوشیدنی، به او خوراند شده و سپس بلاپیش تجاوز شده است.

گفتنی است که متهمان در این محکمه اعتراف کردند که با این دختر ۱۳ ساله رابطه جنسی داشته‌اند، اما یکدیگر را به دادن مواد مخدر کشنده به او متهم کرده‌اند.



حامد کرزی پس از ۱۵ ماه ممنوع‌الخروج بودن به خارج از کشور سفر کرد

۸ صبح، کابل: رییس جمهور پیشین کشور برای نخستین بار پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، اجازه سفر دریافت کرده و رهسپار خارج از کشور شده است.

حامد کرزی، رییس جمهور پیشین کشور، روز شنبه، ۱۲ قوس، به بیرون از کشور رفته و تصاویر منتشر شده، او را در هواپیما نشان می‌دهد.

تا کنون مشخص نیست که او به کدام کشور سفر کرده است، اما پیش از این گفته شده بود که وی قصد سفر به آلمان را دارد.

نزدیکان آقای کرزی تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که پیش از این طالبان مانع سفر او به خارج از کشور شده بودند.

پس از سقوط حکومت پیشین، این نخستین بار است که آقای کرزی در سفری به بیرون از کشور می‌رود.



نخچیران همه بر خلاف گفته‌های شیر بانگ می‌زنند و می‌گویند: کجا است آن حریصانی که پیوسته تخم سببها را می‌کاشتند و به دنبال سببها بودند. هزاران هزار تن از مرد و زن که این همه تلاش کردند، چرا نتوانستند از روزگار بهره‌ای گیرند؟ چرا روزگار به کامشان نبود؟

از آغاز جهان تاکنون هزاران سده می‌گذرد و در این روزگار دراز کسانی بودند که از حرص چنان اژدهایی دهان‌هایشان گشوده بودند. با مکرهایی که می‌دانستند، چنان نیرنگ‌هایی را به راه انداختند که کوه را از بیخ بر می‌کنند.

مولانا در این پیوند در بیت دیگری به آیه‌ای اشاره می‌کند که خداوند گفته است: «از آن مکرها قله‌های جبال زایل می‌گردد.»

با این همه نتوانستند که افزون‌تر از قسمت و روزی‌ای که خداوند برای‌شان داده بود با عمل و شکار خود به چیز دیگری برسند. از آن همه تدبیر و کار بازماندند و تنها این حکم خداوند است که برجای می‌ماند.

سخن آخر نخچیران به شیر این است که همه کسب و جهدی که تو می‌گویی، در برابر تقدیر ازلی جز یک نام و یک وهم چیز دیگری نیست.

نخچیران تسلیم به تقدیرند و باور دارند که نمی‌توان از تقدیر گریخت، اما شیر نمی‌پذیرد و می‌خواهد بر اهمیت جهد و کوشش تأکید کند که جهد و کوشش مخالفت با خداوند نیست.

شیر گفت آری ولیکن هم ببین
جهدهای انبیا و مومنین

حق تعالی جهدشان را راست کرد
آن چه دیدند از جفا و گرم و سرد

دام‌هاشان مرغ گردونی گرفت
نقص‌هاشان جمله افزونی گرفت

جهد می‌کن تا توانی ای کیا
در طریق انبیا و اولیا

با قضا پنجه زدن نبود جهاد
زانک این را هم قضا بر ما نهاد

کافر من گر زیان کرد است کس
در ره ایمان و طاعت یک نفس

سر شکسته نیست این سر را میند
یک دو روزک جهد کن باقی بخند

بد محالی جُست کو دنیا بجُست
نیک حالی جُست کو عقبی بجُست

مکرها در کسب دنیا باردست
مکرها در ترک دنیا واردست

مکر آن باشد که زندان حفره کرد
آنک حفره بست آن مکرکی است سرد

این جهان زندان و ما زندانیان
حفره کن زندان و خود را وارهان

چیست دنیا از خدا غافل بدن
نه قماش و نقده و میزان و زن

شیر می‌گوید هر چند گفته‌های شما درست است، اما یک‌بار هم به کوشش و جهد مومنان و پیامبران نگاه کنید. خداوند جهد آنان و شکیبایی آنان را که در برابر گرما و سرمای روزگار دیده بودند و جفاهایی را که از مردم کشیده بودند به ثمر رساند و کارشان را درست کرد.

از صفحه ۶

جبر و اختیار در...

کمیوه‌هایی که داشتند کامل شد؛ یعنی راه به سوی کمال بردند. با تلاش‌ها و تدبیرهای خود مرغان آسمان را در دام آوردند؛ یعنی به کشف اسرار غیب می‌رسیدند.

پس چه بهتر است که مانند بزرگان در راه انبیا و اولیا جهد و کوشش کنیم. هر چند پنجه زدن و مقابله کردن با سرنوشت و با قضا و قدر جهاد نیست، اما این را هم بدانیم که همین کوشش کردن هم در قضا و سرنوشت ما آمده است. پنجه زدن با قضا، خود به قضا برمی‌گردد و به مفهوم مقابله کردن با آن نیست. پس نمی‌توانیم به بهانه توکل و قضا خود را یک‌سره از هرگونه جهد و کوششی کنار بکشیم.

کافر باشم که گویم کسی در راه ایمان و در راه بنده‌گی خدا زینانی دیده است، اما وقتی که سرت شکسته نیست، چرا سر خود می‌بندی؟ بهتر است یک‌دو روزی جهد و کوشش کنی و باقی زنده‌گی را به خوشی و خرمی بگذرانی.

آن که دنیا می‌طلبد و از عقبا بی‌خبر است، چیزی به دستش نمی‌آید. یعنی به آن جای‌گاهی که انسان باید برسد نمی‌رسد. به خوش‌بختی معنوی نمی‌رسد، اما چه خوش‌بخت‌اند آنانی که در این دنیا عقبای خود را نیز در نظر دارند.

مکر به مفهوم گریزی، چاره و تدبیر نیز آمده است. پس تدبیرها و هشیاری‌های دنیایی، برای کسب دنیا، تدبیرهای خنک و بی‌مزه‌ی‌اند، تدبیرهایی‌اند سست و خنک؛ اما تدبیرهایی برای رهایی از افسون جلوه‌های دنیایی تدبیرهای پسندیده و نیکو هستند.

دنیا مانند زندان است و ما مانند زندانیان. هر کسی می‌خواهد از زندان آزاد شود. یک راه آزادی هم این است که رخنه و راه برون‌رفتی در زندان پدید آورد و به آزادی برسد. کسی زندانی را سوراخ می‌کند تا بیرون شود و به آزادی برسد. این تلاش در زندان صورت می‌گیرد، درست مانند انسانی که در زندان دنیا در جست‌وجوی رسیدن به جهان معنوی است.

در جست‌وجوی رسیدن به خدا است. با مال دنیا هم کسی می‌تواند سوراخی در زندان دنیا که همان زندان نفس است، پدید آورد و خود را به جهان معنوی برساند.

جلوه‌ها و کشش‌های دنیایی اگر در یک جهت انسان را از خداوند دور می‌سازد، در جهت دیگر همین دنیا می‌تواند با جلوه‌هایش ما را به شناخت خداوند برساند. انسان می‌تواند با داشته‌های خود در راه خدا گام بردارد. داشته‌های دنیایی زمانی برای ما زندان می‌شود که ما را از حقیقت و خداوند بی‌خبر سازد.

چسبیدن به دنیا، چسبیدن به نفس است. مانند کسی که هر سوراخی را که در زندان می‌بیند، می‌بندد و بدین‌گونه زندان را برای خود تنگ‌تر و تاریک‌تر می‌سازد.

هر چند این هم یک تدبیر است در کار زندان، اما تدبیر خنک و بی‌مزه‌ای است. تدبیری که سبب می‌شود تا همیشه انسان در زندان نفس زندانی بماند. برای آن که راه آزادی را که همان راه رسیدن به معنویت است، به روی خود می‌بندد.

این‌جا مولانا در گفته‌های شیر تمثیل‌های مشخص دیگری را نیز می‌آورد تا این موضوع را برای ما بیش‌تر روشن سازد.

آب در کشتی هلاک کشتی است
آب اندر زیر کشتی پستی است
چون که مال و ملک را از دل براند
زان سلیمان خویش جز مسکین نخواند
کوزه سر بسته اندر آب رفت
از دل پرباد فوق آب رفت

باد درویشی چو در باطن بود
بر سر آب جهان ساکن بود
گرچه جمله این جهان ملک وی است
ملک در چشم دل او لاشی است
پس دهان دل ببند و مهر کن
پر کنش از باد کبر من لُدن
جهد حق است و دوا حق است و درد
منکر اندر نفی جهدش جهد کرد

آب همیشه مایه حیات نیست. اگر در دریایی با کشتی سفری داری، تا آن‌گاه که کشتی بر روی آب است و آب در زیر کشتی، این آب مایه زنده‌گی است و کشتی را به ساحل هدف می‌رساند. اگر همین آب به درون کشتی برسد، در آن صورت کشتی با همه سرنشینانش نابود می‌شود. این‌جا دیگر آب مایه زنده‌گی نیست، بلکه مرگ‌آور است. همان‌گونه که دنیا می‌تواند با جلوه‌های خود ما را از رسیدن به خدا غافل سازد و هم می‌تواند با جلوه‌های خود ما را به خدا نزدیک سازد.

حضرت سلیمان هرگونه سرزمین گسترده‌ای زیر نگین داشت، اما دل‌بسته‌گی به مال و دارایی دنیایی را از خود دور کرد و چنین بود که خود را مسکین و تهی‌دست می‌خواند و به رهایی از مال و زندان دنیایی رسید.

کوزه‌ای که سر بسته باشد، روی آب قرار می‌گیرد. چون هوایی در آن جای دارد. همان‌گونه اگر کسی هوای درویشی در دل دارد، بر سر آب جهان به آرامش می‌رسد و از غرق شدن نجات می‌یابد.

این جهان و هستی همه از خداوند است، اما این همه هستی در چشم خداوند به اندازه ذره‌ای ارزش ندارد. این همه هستی در برابر خداوند هیچ است. پس چه خوب است که دل را از هوای عشق خدا پر کنیم و مهری بر آن بزنیم تا آن را از فرورفتن و غرق شدن در آب‌های دنیایی رهایی دهیم.

جهد حق است. همان‌گونه که درد حق است، دوا و درمان نیز حق اند. آن کسی که در انکار جهد تلاش دارد، در حقیقت در جهد انکار خود تلاش می‌کند.

شیر همان‌گونه برای نخچیران دلیل پشت دلیل می‌آورد تا آن‌ها را قناعت دهد که زنده‌گی تنها تسلیم بودن به تقدیر نیست، بلکه بنده‌گان خدا از خود اختیاری دارند و باید برای زنده‌گی کردن بهتر کوشش کنند و دست به کاری زنند.

زین نمط بسیار برهان گفت شیر
کز جواب آن جبریان گشتند سیر
روبه و آهو و خرگوش و شغال
جبر را بگذاشتند و قیل و قال
عهدها کردند با شیر زینان
کاندرین بیعت نیفتد در زینان
قسم هر روزش بیاید بی‌جگر
حاجتش نبود تقاضای دگر

شیر در پیوند به جهد و کوشش در زنده‌گی آن قدر دلیل آورد که همه جانوران آن چراگاه که این‌جا مولانا از آنان به نام جبریان یاد کرده است، از قیل و قال و ارایه دلیل‌های جبری خود دم فرو بستند. به شیر بیعت کردند و تعهد دادند که در پیمان آنان هرگز زینانی پدید نخواهد آمد و همیشه بر سر پیمان خواهند ماند. در این پیمان آنان پذیرفتند که خوراک او را از جانوران آن وادی همه‌روزه بدون کم‌وکاست می‌فرستند و شیر هم نباید تقاضای بیش‌تری داشته باشد. (شعرهای متن از مثنوی معنوی براساس نسخه قونیه، به تصحیح و پیش‌گفتار عبدالکریم سروش)

سال شانزدهم
شماره ۳۷۹۱
یکشنبه
۱۳ قوس ۱۴۰۱
۴ دسامبر ۲۰۲۲

صبح
روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سرمدیر: حبیب بهش
تحلیل‌گران: یونس نگاه و امین کاوه
دبیر گزارش‌ها: حسین حیدری
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگاران: محمدحسین نیک‌خواه، محمد فرهنگ
ویراستاران: محمدعلی نظری، اسحق‌علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

محمدجعفر منتظری، دادستان کل ایران، تعطیلی گشت ارشاد را تایید کرده است. رسانه‌های ایرانی روز شنبه، ۱۲ قوس، گزارش داده‌اند که دادستان کل این کشور در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که چرا گشت ارشاد تعطیل شد، ابراز داشت: «گشت ارشاد ربطی به قوه قضاییه ندارد و از همان جایی که در گذشته تاسیس شد، از همان جا نیز تعطیل شد.» آقای منتظری افزوده است که قوه قضاییه نظارت‌هایش را بر کنش‌ها در سطح جامعه ادامه می‌دهد. این در حالی است که پس از کشته شدن مهسا امینی توسط پولیس گشت ارشاد ایران تا کنون چندین هفته می‌شود که اعتراضاتی به رهبری زنان مبنی بر لغو محدودیت‌های وضع شده بر آنان، در این کشور جریان دارد.

روز جهانی معلولیت؛

۱.۳ میلیارد تن در جهان معلول هستند

سازمان ملل متحد در روز جهانی معلولیت گفته است که احقاق حقوق معلولان فقط یک امر عدالت‌طلبانه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده مشترک است. سازمان ملل متحد روز شنبه، ۳ دسامبر، با نشر بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی معلولیت گفته است که دست کم ۱.۳ میلیارد تن در جهان از نوعی ناتوانی جسمی رنج می‌برند. این سازمان افزوده است: «در میان بحران‌های پیچیده و به هم پیوسته‌ای که بشر امروز با آن مواجه است، افراد دارای معلولیت بیشتر آسیب‌پذیر بوده‌اند.» این سازمان همچنان بر توسعه پایدار و تلاش مشترک کشورها برای یافتن راه‌های نوآورانه به مشکلات افراد دارای معلولیت تأکید کرده است. جنگ و انواع بیماری‌ها از عوامل عمده افزایش معلولیت در جهان دانسته می‌شود. گفتنی است که در پی جنگ‌های طولانی در افغانستان نیز هزاران تن معلول شده‌اند.



از پیشرفته‌ترین بمب‌افکن امریکا رونمایی شد



ابر بمب‌افکن «بی ۲۱» به مدرن‌ترین فناوری‌های سطح بالا مجهز است. این جنگنده قابلیت پرواز به شیوه رادارگریز را دارد و همچنین می‌تواند بدون سرنشین و خلبان پرواز کند. هدایت این هواپیما از طریق سامانه‌های کنترل از راه دور، قابل اجرا است و مخارج ساخت و تولید آن بالغ بر ۷۰۰ میلیون دالر بوده است.

برای ایجاد قابلیت‌های پیشرفته است که توانایی امریکا را برای جلوگیری از تجاوز، امروز و آینده تقویت می‌کند. ابر بمب‌افکن «بی ۲۱» به مدرن‌ترین فناوری‌های سطح بالا مجهز است. این جنگنده قابلیت پرواز به شیوه رادارگریز را دارد و همچنین می‌تواند بدون سرنشین و خلبان پرواز کند. هدایت این هواپیما از طریق سامانه‌های کنترل از راه دور، قابل اجرا است و مخارج ساخت و تولید آن بالغ بر ۷۰۰ میلیون دالر بوده است. نخستین پرواز این هواپیما جنگنده برای سال ۲۰۲۳ میلادی برنامه‌ریزی شده است.

نیروی هوایی امریکا از پیشرفته‌ترین جنگنده هوایی‌اش که از نوع بمب‌افکن هسته‌ای رادارگریز است، طی برنامه‌ای رونمایی کرده است. وزارت دفاع این کشور روز شنبه، ۳ دسامبر، در خبرنامه‌ای گفته که «B-21 Raider» قابلیت پرواز بدون سرنشین و کنترل از راه دور را دارد. لوید آستین، وزیر دفاع امریکا، در مراسم رونمایی گفته است که این جنگنده به‌عنوان اولین بمب‌افکن استراتژیک در بیش از سه دهه، به‌حیث ستون فقرات نیروی بمب‌افکن امریکا عمل خواهد کرد. او گفته است: «این گواهی بر مزایای پایدار امریکا در نبوغ و نوآوری است. این گواهی بر تعهد بلندمدت

دور حذفی جام جهانی؛ یاران مسی حریف هالند شدند



در دومین دیدار مرحله حذفی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، تیم ملی فوتبال آرژانتین تیم ملی استرالیا را حذف کرد و به دور بعدی رقابت‌ها راه یافت. در این دیدار که شنبه‌شب، ۳ دسامبر، در ورزشگاه احمد بن علی برگزار شده بود، آرژانتین ۲ بر ۱ پیروز شد. در نیمه نخست این دیدار، تک‌گول لیونل مسی در دقیقه ۳۵ سکوت ورزشگاه را شکست و این نیمه با همین نتیجه یک بر صفر به پایان رسید. در نیمه دوم بازی، یاران مسی دوباره روی دروازه استرالیا فشار آوردند و اشتباه دروازه‌بان سبب شد که جولیان آلوارز دومین گول آرژانتین را به ثمر برساند. در ادامه بازی، اشتباه مدافع آرژانتین سبب شد که استرالیا یک گول خورده را جبران کند. با این پیروزی، آرژانتین در مرحله بعدی رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ حریف هالند شد. در ادامه رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، قرار است امروز (یکشنبه، ۴ دسامبر) دو دیدار دیگر نیز برگزار شود. در این دیدارها فرانسه در برابر پولند بازی خواهد کرد و انگلستان به مصاف سنگال خواهد رفت.

دور حذفی جام جهانی؛ لاله‌های نارنجی از سد امریکا گذشتند



تیم فوتبال هالند در اولین بازی مرحله حذفی جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال قطر، تیم ملی فوتبال امریکا را حذف کرد. این دیدار که شنبه‌شب، ۳ دسامبر، در ورزشگاه بین‌المللی خلیفه برگزار شده بود، با نتیجه ۳ بر ۱ به نفع هالند پایان یافت. در نیمه نخست این دیدار، مگیس دیپای و دیلی بلیند دو بار دروازه امریکا را باز کردند تا بازیکنان هالند با خیال راحت به رخت‌کن بروند. در نیمه دوم، حاجی رایت، بازیکن تیم فوتبال امریکا، در دقیقه ۷۶ یک گول خورده را جبران کرد. پنج دقیقه پس از آن، هالند صاحب موقعیت شد و دنزل دامفریز برای بار سوم دروازه مت ترنر را باز کرد تا نتیجه بازی ۳ بر ۱ به نفع لاله‌های نارنجی شود. با این پیروزی، هالند به دور یک‌هشتم نهایی جام جهانی صعود کرد.

مجلس سنای کانادا درباره قوانین ضد تروریسم در این کشور جلسات استماعیه برگزار می‌کند



در همین حال، روز جمعه، ۲ دسامبر، وقتی از جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، در مورد تأخیر برای پیوستن به کشورهای کمک‌کننده افغانستان پرسیده شد، هیچ توضیحی در این مورد ارائه نکرد. او به خبرنگاران در ونکوور گفته است: «ما باید تلاش کنیم و بفهمیم که چگونه می‌توانیم به جوامع و افرادی که در افغانستان آسیب می‌بینند، کمک کنیم.» ترودو افزوده است که این کار باید به گونه‌ای انجام شود که رژیم سرکوبگر طالبان از آن مستفید نشود.

براساس گزارش‌ها، کمیته حقوق بشر مجلس سنای کانادا، قرار است جلسات استماعیه را در مورد منع کار گروه‌های امدادی در افغانستان و قوانین ضد تروریسم دولت فدرال این کشور آغاز کند. گروه‌های بشردوستانه روز شنبه، ۳ نوامبر، به رسانه‌های کانادایی گفته‌اند که مقامات کانادایی به آن‌ها توصیه کرده‌اند که به مردم افغانستان پول ندهند و از آن‌جا جنس نخرند؛ زیرا پرداخت مالیات می‌تواند به‌عنوان حمایت از یک گروه تروریستی به حساب آید.

شورای امنیت ملی ایران شمار کشته‌گان اعتراضات را ۲۰۰ تن اعلام کرد

در این کشور نشان‌دهنده «یک جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی» بوده و با هدف «تضعیف همبستگی ملی» ایجاد شده است. براساس این اطلاعیه «هیچ اقدام مستقیمی از سوی عوامل انتظامی» منجر به فوت مهسا امینی نشده، اما اعتراضات به این «بهانه» آغاز شده است. این در حالی است که خبرگزاری «هرانا»، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، چهارشنبه گذشته اعلام کرد که در جریان اعتراضات ایران ۴۵۹ تن کشته شده‌اند که ۶۴ تن آن‌ها کودکانند.

شورای امنیت ایران با نشر اطلاعیه‌ای، از کشته شدن ۲۰۰ تن در اعتراضات سراسری در این کشور که از چندین ماه به این سو جریان دارد، خبر داده است. در این اطلاعیه که روز شنبه، ۳ دسامبر، نشر شده، آمده است که ۲۰۰ تن در «اغتشاشات» سراسر این کشور جان خود را از دست داده‌اند. براساس این اطلاعیه، کشته‌گان شامل نیروهای امنیتی، افرادی که درگیری کشته شده‌اند و نیروهای معترض می‌شوند. در اطلاعیه افزوده شده که تداوم اعتراضات سراسری

